رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی

محمد جواد زاهدی*، ملیحه شیانی**، پروین علی‌پور***

طرح مسأله: *در نظام‌های جدید رفاه اجتماعی، موضوع سرمایه اجتماعی اهمیت یافته است. دیگر نمی‌توان رفاه اجتماعی را صرفاً توسط مؤلفه‌های مستقیم اقتصادی و مادی تضمین کرد و علاوه بر آن باید منابع جامعهٔ مدنی از جمله سرمایه‌های اجتماعی گروههای مختلف مردم را فعال و بسیج کرد. مقاله حاضر، بر آن است تا رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی را در شهر تهران مورد بررسی قرار دهد.*

روش تحقیق: *روش این تحقیق پیمایشی است و از ابزار پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. حجم نمونه مورد بررسی۲۹۹ نفر شهروندان تهرانی است که به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند.*

یافته‌ها: *شاخص‌هایی از سرمایه اجتماعی که در جامعه مورد مطالعه، از وضعیت بهتری برخوردارند شاخص‌هایی هستند که به اصطلاح به آنها سرمایه اجتماعی سنتی می‌گویند و به وجوه سنتی جامعه مربوط می‌شوند (مشارکت غیررسمی مذهبی و خیریه‌ای) و شاخص‌هایی که با زندگی مدرن منطبق‌اند (سرمایه اجتماعی مدرن) از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند (اعتماد نهادی، اعتماد تعمیم‌یافته، انسجام اجتماعی و مشارکت رسمی).*

نتایج: *سرمایه اجتماعی، رابطه مثبتی با رفاه اجتماعی دارد. همچنین کلیه شاخص‌های مطرح در این تحقیق برای سرمایه اجتماعی (اعتماد، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی) نیز با رفاه اجتماعی رابطه مثبتی دارند و نتایج بدست آمده منطبق با آراء پاتنام است.*

کلید واژه‌ها: اعتماد، رفاه اجتماعی، سرمایه اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای اجتماعی

تاریخ دریافت: ۸۷/۲/۱۴ ***تاریخ پذیرش: ۸۸/۶/۲۳***

* دکتر جامعه‌شناس، دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه پیام‌نور <m_Zahedi@pnu.ac.ir>

** دکتر جامعه شناس، استادیار گروه برنامه‌ریزی اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

*** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، کارشناس ارشد پژوهش موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران

مقدمه

یافته‌های تجربی متعدد، اهمیت سرمایه اجتماعی را در ارتقای سطح توسعه جوامع نشان می‌دهند. به عنوان مثال می‌توان به مطالعه کریستوفر در زمینه سرمایه اجتماعی اشاره کرد که اختلاف بین مناطق و کشورها را در سطح توسعه اجتماعی و اقتصادی، ناشی از اختلاف آنها در ذخیره موجود سرمایه اجتماعی دانسته است. مناطق یا کشورهای دارای ذخیره نسبتاً بالای سرمایه اجتماعی (بر حسب اعتماد تعمیم یافته و تعهد مدنی) در مقایسه با جوامع دارای اعتماد و تعهد مدنی پایین، به سطوح بالاتری از رشد دست یافته‌اند (Christoforou, 2003).

از آنجائی که سطح توسعه‌یافتگی به طور بی‌واسطه‌ای معرف سطح رفاه اجتماعی همگانی است، ارتباط میان سرمایه اجتماعی و توسعه را می‌توان به ارتباط میان سرمایه اجتماعی و رفاه تأویل کرد و نتیجه گرفت که وجود سرمایه اجتماعی بالا می‌تواند سطح بالاتری از رفاه اجتماعی را تأمین کند. به بیان دیگر سرمایه اجتماعی یکی از مؤلفه‌های اصلی توسعه اجتماعی ـ اقتصادی به شمار می‌رود که این توسعه بر مبنای ارتقای رفاه همگانی تعریف می‌شود. بنابراین، می‌توان فرض کرد که بین سرمایه اجتماعی و رفاه در سطوح خرد (فردی) و کلان (اجتماعی) همبستگی وجود دارد.

بدیهی است موفقیت نظام‌های رفاه اجتماعی ـ به عنوان رابطه‌ای عمودی میان دولت و جامعه ـ از لحاظ ساختاری تا حد زیادی به روابط اجتماعی افقی (هنجارها و شبکه‌های) موجود در جامعه وابسته است. بنابراین، کارآمدی سیاست‌های تأمینی و رفاهی که به همراهی و همکاری داوطلبانه مردم نیاز دارد، به مقدار سرمایه اجتماعی موجود در هرجامعه باز می‌گردد (تاجبخش و دیگران، ۱۵۷: ۱۳۸۲). با توجه به اینکه سطح رفاه گروههای اجتماعی در جامعه با لحاظ کردن استانداردهای رفاه، متفاوت است بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی می‌تواند بخش مهمی از اطلاعات مورد نیاز در خصوص مولفه‌های اثرگذار بر رفاه را به منظور سیاستگذاری رفاه اجتماعی در جامعه فراهم سازد. بنابراین، با توجه به رابطه احتمالی میان سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی و

سطح متفاوت رفاه ساکنان مناطق شهر تهران، در این پژوهش بررسی رابطهٔ سرمایه اجتماعی با سطح رفاه اجتماعی ساکنان مناطق یک، هفت و هفده که به ترتیب معرف وضعیت توسعه یافتگی محله‌ای بالا، متوسط و پایین است به عنوان موضوع مورد مطالعه در نظر گرفته شده است.

رهیافت‌های نظری

۱) سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی را به طور کلی می‌توان منابعی تعریف کرد که میراث روابط اجتماعی‌اند و کنش جمعی را تسهیل می‌کنند. این منابع که از طریق اجتماعی شدن حاصل می‌شوند در برگیرنده اعتماد، هنجارهای مشارکتی و شبکه‌هایی از پیوندهای اجتماعی است که موجب گرد آمدن افراد به صورتی منسجم و با ثبات در داخل گروه به منظور تأمین هدفی مشترک می‌گردد (زاهدی، ۲۷٤: ۱۳۸۲).

۱ـ۱) پیر بوردیو

نخستین تحلیل منظم از سرمایه اجتماعی بوسیله بوردیو صورت پذیرفته است. این تحلیل از قویترین تحلیل‌هایی است که مفهوم سرمایه اجتماعی را در گفتمان جامعه‌شناسی معاصر وارد کرده است (Portes,1998: 4). سرمایه اجتماعی از نظر بوردیو عبارت از مجموعه‌ای از منابع بالفعل یا بالقوه است که با مالکیت یک شبکه بادوام از روابط کم و بیش نهادینه شده از آشنایی و شناخت متقابل و دو جانبه، پیوند یافته است. به عبارت دیگر عضویت در یک گروه، هریک از اعضایش را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌سازد؛ صلاحیتی که آنان را سزاوار «اعتبار» به معنای مختلف کلمه می‌کند (Bourdieu,1986: 248-249). به اعتقاد بوردیو گونه‌های مختلف سرمایه کم و بیش قابل تبدیل به یکدیگرند. به طوری که انواع متفاوت سرمایه را می‌توان از سرمایه اقتصادی استخراج کرد (همان، ۲۵۲). به تعبیر لین سرمایه اجتماعی در نظر بوردیو لباس مبدل برای

سرمایه اقتصادی است. با این حال او معتقد است که شکل‌های دگرگون شده و تغییر چهره داده سرمایه اقتصادی هرگز تماماً قابل تبدیل به این تعریف نیست (توسلی و موسوی ؛۹، ۱۳۸٤).

بنابراین استفاده بوردیو از واژه سرمایه اجتماعی تلاشی واضح و روشن برای فهم چگونگی ایجاد طبقات و تقسیمات طبقه‌ای است (Defilippis, 2001: 783). افکار بوردیو راجع به سرمایه اجتماعی تعبیری است برای تأکیدش بر تضاد طبقاتی: روابط اجتماعی برای افزایش توانایی کنشگر برای پیشبرد منافع‌اش، به کار برده می‌شود و سرمایه اجتماعی منبعی است برای کشمکش اجتماعی (Sabatini, 2005: 4). بوردیو اعتقاد داشت که سرمایه اقتصادی ریشه اصلی تمام سرمایه‌هاست و علاقه‌مند بود که از نحوه ترکیب آن با دیگر انواع سرمایه برای ایجاد و تولید مجدد نابرابری اطلاع یابد. به این ترتیب کاربرد سرمایه اجتماعی در نزد بوردیو بر این درک استوار است که افراد چگونه با سرمایه گذاری بر روابط گروهی، وضعیت اقتصادی خود را در یک فضای اجتماعی سلسله مراتبی بهبود می‌بخشند . دیدگاه بوردیو در باب سرمایه اجتماعی بیش از حد ابزاری است و آن را چیزی می‌داند که افراد یا طبقات به کار می‌بندند تا به منافع اقتصادی خود دست یابند (تاجبخش، ۱۳: ۱۳۸۵). او سرمایه اقتصادی را پایه می‌داند و سرمایه اجتماعی و حتی فرهنگی را ابزاری برای تحقق آن می‌پندارد. اگر سرمایه اجتماعی نتواند باعث رشد سرمایه اقتصادی گردد کاربردی نخواهد داشت. تحلیل بوردیو از سرمایه اجتماعی مبتنی بر یک رویکرد چپ‌گرایانه است. به اعتقاد او این سرمایه است که به یک فرد اجازه می‌دهد تا سرنوشت خود و دیگران را تحت نظارت گیرد (ریتزر؛۷۲٤، ۱۳۷٤).

۲ـ۱) جیمز کلمن

رویکرد کلمن در مورد سرمایه اجتماعی بر اساس نظریه انتخاب عقلانی و مبتنی بر کارهای پیشین او در نظریه مبادله اجتماعی است (King and waldegrave; 5, 2002). از نظر کلمن مفهوم سرمایه اجتماعی در برگیرنده پایه و اساس نظم اجتماعی است و محملی

است تا به تشریح چگونگی امکان همکاری بین افراد بپردازد. این نکته به خوبی در کتاب، «بنیادهای نظریه اجتماعی» (Coleman,1994) مطرح شده است. همچنین کلمن در مقاله نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی (۱۹۸۸)، به بررسی تعریف خود از سرمایه اجتماعی پرداخته و تلاش کرده است که مفهوم سرمایه اجتماعی را به موازات مفاهیم متعارف سرمایه مالی، سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی وارد نظریه اجتماعی کند. این نوع سرمایه به اعتقاد او در روابط بین اشخاص بروز می‌کند. توجه خاص وی معطوف به این است که سرمایه اجتماعی چگونه می‌تواند به توسعه سرمایه انسانی کمک کند. او بعدها اذعان داشت که این دو مفهوم به جای آنکه رقیب هم باشند اغلب مکمل یکدیگرند (کلمن، ٤٦٥ : ۱۳۷۷). کلمن به جای تعریف سرمایه اجتماعی بر حسب ماهیت و محتوی، به کارکرد آن توجه دارد. او می‌نویسد: «سرمایه اجتماعی بر حسب کاربرد آن تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی موجودیت واحدی نیست بلکه مجموعه‌ای از موجودیت‌های گوناگون است که دو مشخصه مشترک دارند: در همهٔ آنها، جنبه‌ای از ساختار اجتماعی وجود دارد و همهٔ آنها اعمال خاص کنشگران داخل ساختار را تسهیل می‌کنند. سرمایهٔ اجتماعی همانند سایر شکل‌های سرمایه، مولد است و تحقق اهداف معین را ممکن می‌سازد، ولی بر خلاف گونه‌های دیگر سرمایه، به طور ذاتی در ساختار روابط بین کنشگران وجود دارد (Coleman,1988: 98). به تعبیر لین، آراء کلمن بسط و گسترش مفهوم انسجام و دیدگاه دورکیم از روابط اجتماعی است (Lin, 2001: 24). به اعتقاد کلمن هرچه افراد به یکدیگر بیشتر کمک کنند، مقدار سرمایه اجتماعی که ایجاد می‌شود بیشتر خواهد بود. هنگامی که افراد کمتر به یکدیگر نیاز داشته باشند، سرمایه اجتماعی کمتری ایجاد خواهد شد (کلمن، ٤٩١ :۱۳۷۷).

۳ـ۱) رابرت پاتنام

پاتنام برای نخستین بار مفهوم سرمایه اجتماعی را در قسمت پایانی کتاب خود با عنوان Making Democracy Work: Civic Tradition in Modern Italy [۱]

۱ـ این کتاب تحت عنوان دموکراسی و سنت‌های مدنی توسط آقای محمدتقی دلفروز به فارسی ترجمه شده است.

به کار برد (Putnam,1993a). وی صریحاً اذعان داشت که تحقیقات کلمن درباره سهم سرمایه اجتماعی افراد در دستاوردهای آموزشی الهام بخش وی بوده است. پاتنام در تعریف خود از سرمایه اجتماعی می‌نویسد: منظور از سرمایه اجتماعی، وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها است که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشند (Putnam,1995: 67). پاتنام معتقد است که سرمایه اجتماعی بر عکس سرمایه‌های متعارف دیگر، یک کالای عمومی است که در مالکیت خصوصی بهره‌برداران نیست (Putnam,1993b: 38). پاتنام سرمایه اجتماعی را با سه مؤلفه (اعتماد، هنجارها وشبکه‌ها) مفهوم سازی می‌کند. مطابق نظر پاتنام « اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل، شبکه‌های مشارکت مدنی و همکاری موفقیت آمیز متقابلاً همدیگر را تقویت می‌کنند. وجود نهادهای همکاری جویانه کارآمد، مستلزم مهارت‌ها و اعتماد بین اشخاص است اما آن مهارت‌ها و این اعتماد نیز به نوبه خود به وسیله همکاری سازمان‌یافته تلقین و تقویت می‌شوند. هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی به رفاه اقتصادی کمک می‌کنند و به نوبه خود به وسیله رفاه تقویت می‌شوند» (پاتنام، ۳۰۹: ۱۳۸۰). به زعم پاتنام، منابع سرمایه اجتماعی (اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها) معمولاً خود تقویت‌کننده و خود افزاینده‌اند. بازتولید فضایل، به تعادل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، مشارکت مدنی و رفاه جمعی منجر می‌شود. این ویژگی‌ها معرف جامعه مدنی است. برعکس فقدان این ویژگی‌ها در جوامع غیرمدنی نیز خصلت خود تقویت کننده دارد. عهدشکنی، بی‌اعتمادی، فریب و حیله، بهره‌کشی، انزوا و بی‌نظمی را در یک جو خفقان‌آور دورهای باطل تشدید می‌کنند (همان: ۳۰۳).

٤ـ۱) فرانسیس فوکویاما

فوکویاما رابطهٔ سرمایه اجتماعی با توسعه اقتصادی را در نظر می‌گیرد (Fukuyama,1995) و معتقد است که سطوح بالای سرمایه اجتماعی، صداقت واعتماد، افراد را به انجام دادن کارهای مشارکتی و تعاونی مشتاق می‌سازد (قانعی‌راد و حسینی،

۱۰۵: ۱۳۸٤). از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیر رسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهیم هستند (فوکویاما، ۱۰: ۱۳۸۵).

فوکویاما مخالف این ادعای کلمن است که سرمایه اجتماعی کالای عمومی است زیرا از آنجا که همکاری از هر نظر برای همه افراد به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف شخصیشان ضروری و لازم است عقل حکم می‌کند که افراد سرمایه اجتماعی را به عنوان کالای خصوصی تولید کنند (Fukuyama,1999: 2). او معتقد است که اگر حکومت‌ها از حقوق مدنی و مالکیت دفاع کنند، افراد خردورز، اعتماد را چون کالایی خصوصی ایجاد می‌کنند، چون نفع فردی آنها چنین ایجاب می‌کند. فوکویاما دین را یکی از منابع اصلی سرمایه اجتماعی می‌داند. او معتقد است که هنجارهای اجتماعی، اگر چه نه منحصراً، اما عمدتاً از مذهب سرچشمه می‌گیرد (فوکویاما، ۱۰۳: ۱۳۸۵).

۲) رفاه اجتماعی

۱ـ۲) جرمی بنتام

بنتام با عقیده آدام اسمیت که جامعه چیزی بجز مجموع آحاد آن نیست، موافق بود و اعتقاد داشت که ما مجبور نیستیم که بحث خود را صرفاً به رفاه فردی محدود کنیم. از دید بنتام، رفاه را می‌توان اندازه گرفت و این قابلیت اندازه‌گیری به ما اجازه می‌دهد رفاه‌های فردی را با هم ترکیب کنیم و سطح متراکم رفاه اجتماعی را در مجموع اندازه بگیریم. به این معنی رفاه اجتماعی نوعی تراکم ساده و مکانیکی رفاه‌های فردی است. به نظر بنتام، رفاه اجتماعی با بهره‌مندی اجتماعی و با حداکثر خیر و خوشبختی برای حداکثر آحاد مردم مساوی است (پتریک، ۱۳۸۱: ۳۲-۳۱).

۲ـ۲) ا.سی.پیگو

پیگو اقتصاددان رفاه، استدلال می‌کرد که مقایسه‌های بین افراد می‌توانند صورت گیرد، زیرا بهزیستی مقوله‌ای است که به آمال و آرزوها ارتباط دارد و آرزوها را می‌توان بر مبنای

معیارهای پولی اندازه‌گیری کرد: هر چه تمایل من برای پرداخت، بابت چیزی بیشتر باشد، آرزوی من شدیدتر است و بر این مبنا، دسترسی/ تملک آن شیء موجب بالا رفتن سطح رفاه و بهزیستی من می‌شود. بنابراین رفاه فردی، ارتباط نزدیکی با انتخابهای بازار دارد و می‌توان گفت که رفاه اجتماعی به تناسب رونق یا رکود ثروت ملی، که از راه شاخصهایی چون تولید ناخالص ملی قابل اندازه‌گیری است، کم یا زیاد می‌شود (همان: ۳۳).

۳ـ۲) ویلفردو پارتو

از اقتصاددانانی بود که استدلال می‌کرد که مقایسه بین افراد از حیث بهره‌مندی از رفاه اجتماعی امکان‌پذیر نیست. به گفتهٔ پارتو، جامعه‌ای که قادر باشد دست کم وضع زندگی یکی از آحاد خود را بهتر سازد، در بهبود شرایط رفاهی خویش کوشیده است . با این حال، زمانی می‌رسد که این جامعه می‌تواند فقط با بدتر کردن وضعیت شماری از آحاد خود شرایط شماری دیگر را بهتر کند. در این حالت، جامعهٔ مورد بحث به مرحلهٔ «کارآیی مطلوب» خویش رسیده است و ایجاد هر گونه تغییر بیشتر دیگر توجیهی ندارد. بنابراین ما می‌توانیم بی آنکه ناچار به مقایسه‌های بنتامی بین بهره‌مندی من و شما شویم، به شکلی با معنا و سودمند در باب رفاه اجتماعی بحث کنیم.

٤ـ۲) جان راولز

صاحبنظر فلسفه سیاسی و نویسنده کتاب «عدالت به مثابهٔ انصاف»، کوشیده است بی آنکه رفاه اجتماعی را به کارآییِ پارِتویی کاهش دهد، آن را تعریف کند. راولز مقوله رفاه را از معیار کارآیی دور کرده و به حوزه‌های عدالت و اخلاق باز می‌گرداند، با این حال او نیز توصیف بهره‌مندانه از عدالت و اخلاق را مردود می‌شمارد. به اعتقاد راولز، جامعه‌ای که توزیع منابع در آن عادلانه باشد، وضعیت رفاهی بهتری از جامعه‌ای دارد که منابع آن به شکل عادلانه توزیع نمی‌شود و توزیع عادلانه به این معناست که برای محرومترین افراد مطلوب باشد. بدین ترتیب، رفاه اجتماعی مستلزم حذف نابرابریهای غیر عادلانه است، نه حذف صرف نابرابری (همان: ٣٤).

۵ـ۲) تی. اچ. مارشال

«مارشال با ارائه نظریه شهروندی و تجزیه مفهوم شهروندی به سه عنصر مدنی، سیاسی و اجتماعی، تحلیل موجز و روشنی درباره رفاه اجتماعی ارائه کرده است. شهروندی از دید مارشال، موقعیت اعطا شده به اعضای کامل اجتماع است و تمام افراد برخوردار از این موقعیت با یکدیگر برابرند. دستیابی به این حقوق به واسطه ایجاد نهادهای مناسب، محقق و میسر می‌شود. شهروندی مدنی در قرن هجدهم که از حقوق ضروری برای آزادی‌های فردی، بیان عقیده، اندیشه، حق مالکیت، حق عقد قرارداد و حق برخورداری از عدالت تشکیل شده با رشد نهاد دادگاه و نظام قضایی، همراه بوده است. شهروندی سیاسی در قرن نوزدهم که به حق مشارکت در قدرت و تصمیم گیریهای سیاسی مربوط می‌شود با نهاد پارلمان و شوراها ظهور کرده است. شهروندی اجتماعی نیز که با نظام آموزشی و تأمین اجتماعی توسعه یافته، در قرن بیستم، مجموعه حقوق مربوط به حداقل رفاه اقتصادی و اجتماعی مطابق با استانداردهای رایج در جامعه را در برمی گیرد» (مارشال، ۱۹٦٤ به نقل از شیانی، ۱٦٤: ۱۳۸٤).

چارچوب نظری تحقیق

آنچه که از مرور نظریه‌های رفاه اجتماعی بدست می‌دهد این است که در بحث از رفاه مقولاتی چند، مانند عینی یا ذهنی، فراگیر یا محدود، فردی یا جمعی و کالای عمومی یا خصوصی بودن رفاه مطرح است. مقولات فردی یا جمعی و عمومی یا خصوصی بودن به نوعی به موضوع سرمایه اجتماعی که آن نیز می‌تواند از این دو منظر بررسی شود، ارتباط پیدا می‌کنند. به نظر پتریک «رفاه را باید تا حدودی مقوله‌ای فردی دانست، زیرا حتی اگر مقوله‌ای مربوط به جامعه باشد، بهزیستی جامعه را نمی‌توان از رفاه افرادی که در جامعه زندگی می‌کنند جدا کرد. بنابراین، هر چند وجه عمومی و اشتراکی ممکن است از مختصات رفاه شمرده شود، آن را نمی‌توان بدون توجه کامل به بهزیستی افراد که عناصرسازه‌ای جمع و جامعه هستند، ملاک نظر قرار داد» (پتریک، ۳۰: ۱۳۸۱).

در آراء همهٔ صاحبنظران سرمایه اجتماعی این دلالت ضمنی وجود دارد که سرمایه اجتماعی از طریق تسهیل کردن روابط اجتماعی موجباتی فراهم می‌سازد که افراد بهتر و ساده‌تر بتوانند منافع فردی و گروهی خود از جمله منافع اقتصادی را دنبال کنند و از آنجا که در معنای مستقیم رفاه اجتماعی نیز دلالت صریح بهره‌مندی از مواهب اجتماعی برای فراهم ساختن امکانات یک زندگی بهتر و آسوده‌تر وجود دارد که خود از طریق کسب درآمد بیشتر قابل حصول است، پس می‌توان پلی ارتباطی میان این دو مفهوم اجتماعی برقرار کرد که معرف همبستگی میان سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی باشد و بازگوی آن باشد که با ذخیره‌سازی سرمایه اجتماعی بیش‌تر می‌توان شرایطی را فراهم ساخت که به سطح بالایی از رفاه اجتماعی دست یافت.

روش تحقیق

در این پیمایش، واحد مشاهده فرد (سرپرست خانوار) و سطح تحلیل خانوار می‌باشد. و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه بوده است. پایایی محاسبه شده برای هر کدام از پرسش‌ها بیشتر از ۷۰ درصد بوده است. مقیاس‌های اعتماد فردی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد نهادی و انسجام اجتماعی به ترتیب ضریب روایی ۸۸٪، ۸۰٪، ۹٦٪ و ۷٤٪ داشتند.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعهٔ آماری تحقیق را کلیه خانوارهای ساکن شهر تهران تشکیل می‌دهند. واحد آماری تحقیق، افراد سرپرست خانوار در نظر گرفته شده است. در این تحقیق از پهنه‌بندی سه گانه توسعه‌ای تهران که توسط معاونت شهرسازی و معماری، مطالعات جمعیتی و اقتصادی ـ اجتماعی شهر تهران (رفیعی، ۱۳۸۲) صورت پذیرفته و مناطق شهر تهران به سه پهنه توسعه‌ای پایین، متوسط و بالا تقسیم شده‌اند، استفاده گردیده است. ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از هر گروه یک منطقه به طور تصادفی انتخاب شد که شامل مناطق۱، ۷ و۱۷بودند که با برآورد جمعیت این مناطق با استفاده از فرمول کوکران نمونه‌ای به حجم ۲۹۸ نفر برآورد و از هر منطقه با توجه به بلوک‌های انتخابی با روش نمونه‌گیری

تصادفی ساده به سراغ خانوارهای انتخابی رفته و داده‌های تحقیق از آن‌ها جمع‌آوری شده است. لازم به ذکر است به دلیل اینکه منطقه سکونت نیز از مؤلفه‌های تحلیل این تحقیق به شمار می‌رود به هریک از مناطق به طور مساوی ۱۰۰ نفر نمونه اختصاص داده شد.

تعریف مفاهیم و متغیرها

الف) متغیرهای مستقل

در این پژوهش سرمایه اجتماعی متغیر مستقل می‌باشد که با توجه به چارچوب نظری تحقیق، تعریف پاتنام مبنا قرار می‌گیرد. بدین ترتیب سه مؤلفه شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و اعتماد به عنوان متغیرهای مستقل این مطالعه در نظر گرفته شدند که در ذیل به تعریف هریک از آنها پرداخته می‌شود.

۱) اعتماد

اعتماد به منزلهٔ داشتن حسن ظن به دیگران در روابط بینابین است (قانعی‌راد و حسینی، ۱۱۱: ۱۳۸٤). که بر سه نوع است: ۱) اعتماد بین فردی ۲) اعتماد اجتماعی یا تعمیم یافته ۳) اعتماد نهادی (زاهدی و اجاقلو، ۱۰۲: ۱۳۸٤).

اعتماد بین فردی، شامل اعتماد به افراد خانواده، خویشان، دوستان و همکاران می‌شود که تحت عناوین گوناگون، اعتماد خاص‌گرایانه و اعتماد شخصی نامیده می‌شود. اعتماد اجتماعی یا تعمیم یافته، اعتماد به بیگانگان یا افراد کمتر آشنای اجتماع را شامل می‌شود و اعتماد نهادی یا اعتماد به سازمان‌ها و نهادها و گروهها در حوزهٔ حکومت را شامل می‌شود (موسوی‌خامنه، ۱۰: ۱۳۸۳).

۲) هنجارها

هنجارها، شیوه‌های رفتاری متقابلی هستند که در گروه یا جامعه متداول است و فرد در جریان زندگی خود، آنها را می‌آموزد و به کار می‌بندد و نیز انتظار دارد که دیگر افراد گروه یا جامعه نیز آن را انجام دهند (وثوقی و نیک‌خلق، ۱۸۳: ۱۳۷٦). برای سنجش هنجارهای اجتماعی سه شاخص همیاری و حمایت اجتماعی و انسجام اجتماعی در نظر گرفته شد.

همیاری به احساس درونی افراد، جهت کمک به دیگران، اشاره دارد. حمایت اجتماعی، حمایت افراد از یکدیگر در زمان نیازمندی است و به صورت‌های حمایت اقتصادی و عاطفی مطرح است. انسجام اجتماعی، توافق جمعی میان اعضای یک جامعه است که حاصل پذیرش و درونی کردن نظام ارزشی و هنجاری یک جامعه و وجود تعلق جمعی (احساس ما کردن) و تراکمی از وجود تعامل در میان افراد آن جامعه است.

۳) شبکه‌های اجتماعی

شبکه به انواع ارتباط‌هایی اطلاق می‌شود که بر اثر روابط شخصی شرکت کنندگان برقرار شده است (کولان، ۱۴۱: ۱۳۷۹) و ناظر بر ساخت روابط اجتماعی است (موسوی خامنه، ۱۰۲: ۱۳۸۳). اندازه و وسعت شبکه با مشارکت رسمی (عضویت افراد در گروههای رسمی) و غیررسمی (مذهبی و خیریه‌ای) سنجیده می‌شود. همچنین روابط اجتماعی از دیگر شاخص‌های مورد استفاده برای سنجش شکبه‌های اجتماعی است بنابراین برای سنجش شبکه‌های اجتماعی از دو شاخص مشارکت و روابط اجتماعی استفاده شد. مشارکت به معنای شرکت فعالانهٔ افراد در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و به طور کلی در تمامی ابعاد حیات است (بیرو، ۵۲۱: ۱۳۷۰) و شامل مشارکت رسمی و غیررسمی می‌شود. مشارکت رسمی از انواع مهم مشارکت محسوب می‌شود و انواع انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی از عرصه‌های آن هستند. منظور از مشارکت رسمی، شرکت و همکاری و برقراری ارتباط با نهادها و سازمان‌های غیردولتی، در قالب عضویت، همکاری در فعالیت‌ها و پذیرش مسؤولیت اجرایی و کمک مالی می‌باشد. برای سنجش مشارکت رسمی از مقیاس چاپین استفاده شده است که مشتمل است براین پنج جزء: (۱)عضویت (۲) انجام دادن فعالیتها (۳) کمک مالی (۴) حضور در برنامه‌ها و (۵) صاحب مقام و مسؤولیت بودن (میلر، ۱۳۸۰). بر این اساس فهرستی از نهادها و سازمان‌های مردمی و غیردولتی موجود در سطح جامعه ارائه شده که عضویت یا عدم عضویت افراد در آنها سؤال شده است. در صورت عضو بودن نوع رابطه پاسخگو با این سازمان‌ها نیز پرسیده شده است. مشارکت غیررسمی شامل مشارکت در امور غیر رسمی در جامعه است که در بعد فعالیت‌های مذهبی و کارهای خیریه‌ای سنجش شده است. روابط اجتماعی به تعاملات و

ارتباطات بین افراد اطلاق می‌شود. برای سنجش شاخص روابط اجتماعی، مقدار و نوع روابط (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، عاطفی) افراد در قالب طیف لیکرت به پاسخگویان ارائه شده است.

ب) متغیر وابسته

رفاه اجتماعی مجموعه شرایط و کیفیت‌هایی است که نیازهای فردی (جسمی و روانی) و اجتماعی آحاد جامعه را در حد قابل قبول تأمین کرده باشد (مدنی، ۱۳: ۱۳۷۹) و همه مردم از زندگی در آن شرایط، احساس رضایت داشته باشند. در این پژوهش برای سنجش سطح رفاه خانوارها از شاخص‌های رفاه آماره‌های اجتماعی ۲۰۰۰ اروپا (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸٤)، استفاده شده است که این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از نیازهای اساسی، امکانات مالی، وضعیت مسکن، استفاده از کالاهای مصرفی بادوام، سلامت و رضایت.

یافته‌های پژوهش

از بین پاسخگویان سه نفر زن و ۲۹٦ نفر مرد بودند. از سه نفر زن سرپرست خانوار به ترتیب یک نفر در منطقه هفت و دو نفر در منطقه هفده زندگی می‌کنند. داده‌ها حاکی از آن است که از کل پاسخگویان ۲۳/۷ درصد میزان سرمایه اجتماعی پایین، ۵۷/۹ درصد سرمایه اجتماعی متوسط و ٤/۱۸ درصد میزان سرمایه اجتماعی بالایی دارند. که نشان دهنده این است که مقدار سرمایه اجتماعی در میان افراد تحت مطالعه از سطح متوسط رو به پایین برخوردار است. میانه این متغیر۹/۸، بیشترین فراوانی ۷/٤٤ (متعلق به سطح متوسط سرمایه اجتماعی)، دامنه تغییرات نمرات پاسخگویان ۱۵/٤۵، بیشترین سطح ۱۷/۳۹ و کمترین سطح ۱/۹۵ می‌باشد. همچنین توزیع فراوانی شاخص رفاه در میان پاسخگویان نشان می‌دهد که از کل پاسخگویان ۲٤/۲ درصد سطح رفاه پایین، ٤۲/۸ درصد رفاه متوسط و ۳۳ درصد سطح رفاه بالایی دارند. که نشان دهنده این است که سطح رفاه در میان افراد تحت مطالعه متوسط رو به بالاست. میانه این متغیر۷/٤۵، بیشترین فراوانی ۱/٦۹ (متعلق به سطح متوسط رفاه)، دامنه تغییرات نمرات پاسخگویان ۱۲/۲۱ بیشترین سطح ۱۲/۲۱ و کمترین سطح صفر می‌باشد.

آزمون فرضیه‌ها و روابط بین متغیرها

در جدول شماره (۱) نتایج آزمون فرضیه‌های مطرح شده در این مقاله نشان داده شده است. فرضیه کلی (رابطهٔ مثبت سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی) و کلیه فرضیه‌های جزئی تحقیق مورد تأئید قرار گرفته است. بنابراین می‌توان گفت هرچه سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن برای یک شخص (به عنوان سرپرست خانواده) بالاتر باشد سطح رفاه خانواده نیز بالاتر خواهد بود.

جدول شماره (۱): رابطه متغیرها با رفاه اجتماعی

متغیر پیش‌بین	مقدار *p*	مقدار همبستگی
سرمایه اجتماعی	.۰۰۰	۰,٦٤١(**)
اعتماد فردی	.۰۰۰	۰,٦٩٩(**)
اعتماد تعمیم‌یافته	.۰۰۰	۰,٤٤١(**)
اعتماد نهادی	.۰۰۲	۰,١٦٩(**)
همیاری	.۰۰۰	۰,٥٥٩(**)
انسجام اجتماعی	.۰۰۰	۰,٣٩٣(**)
حمایت اجتماعی	.۰۰۰	۰,٦٣٤(**)
مشارکت رسمی	.۰۰۰	۰,٢٤٨(**)
مشارکت غیر رسمی	.۰۰۲	۰,١٦٩(**)
میزان روابط	.۰۰۰	۰,٦١١(**)
نوع روابط	.۰۰۰	۰,٦١٤(**)

**** Correlation is significant at the 0.01 level (1-tailed).**

جدول شماره (۲): خلاصه مدل‌های تحلیل

مدل‌ها	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب همبستگی تعدیل شده	آزمون واریانس	مقدار *P*
۱	.٦٩٧ (a)	.٤٨٥	.٤٨٣	٢٧٧,٩٤٧	.٠٠٠
۲	.٧٤٦ (b)	.٥٥٦	.٥٥٣	١٨٤,١١٤	.٠٠٠
۳	.٧٦٥ (c)	.٥٨٦	.٥٨٢	١٣٨,١٣٥	.٠٠٠
٤	٧٧٨(d).	.٦٠٥	.٦٠٠	١١١,٨٣٨	.٠٠٠

مدل‌های شماره ۱) اعتماد فردی؛ ۲) اعتماد فردی، روابط اجتماعی ؛ ۳) اعتماد فردی، روابط اجتماعی و حمایت اجتماعی؛٤) اعتماد فردی، روابط اجتماعی، حمایت اجتماعی و همیاری

رگرسیون چند متغیری

تحلیل رگرسیونی خطی به شیوهٔ گام به گام و با ورود تدریجی متغیرهای معنادار در معادلهٔ رگرسیونی انجام شده است.

سرمایه اجتماعی به کمک چهار مؤلفه اعتماد فردی، روابط اجتماعی، حمایت اجتماعی و همیاری ٦٠ درصد پراکنش (واریانس) رفاه اجتماعی را تبیین می‌کند . آمارهٔ F نیز در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار شده است که حاکی از معنی دار بودن رگرسیون می‌باشد.

به منظور فهم دقیق‌تر شدت و جهت رابطهٔ متغیرهای مستقل با رفاه اجتماعی، از ضرایب تأثیر کمک گرفته شده است (جدول شماره۳). مطالعهٔ دقیق‌تر ضریب تأثیر استاندارد (Beta) گویای جهت و به ویژه شدت تأثیر متغیرهای مذکور بر رفاه افراد است. بیشترین تأثیر بر رفاه مربوط به متغیر اعتماد فردی است که دارای بتای معادل ۰/۳٤ می‌باشد. این عدد تأثیر قوی و مستقیم اعتماد فردی بر رفاه را نشان می‌دهد افرادی که اعتماد فردی بالایی داشتند از رفاه بالاتری هم برخوردار بودند. در مرتبهٔ دوم تأثیرگذاری، باید از متغیر روابط اجتماعی نام برد که با دارا بودن بتای معادل با ۰/۲۲ نشان می‌دهد که

پاسخگویانی که روابط اجتماعی بالاتری داشتند به همان نسبت از رفاه بـالاتری برخـوردار بوده‌اند. رتبهٔ سوم تأثیرگذاری، مربوط به متغیر حمایت اجتماعی است که با دارا بودن بتای معادل ۰/۲۱ ضمن بیان تأثیر مستقیم بر رفاه، نشان مـی‌دهـد کـه هرچـه افـراد از حمایـت اجتماعی بیشتری برخوردار باشند از رفاه بیشتری نیز برخوردار خواهند بـود و بـالاخره در مرتبهٔ چهارم تأثیرگذاری متغیر همیاری قرار دارد که با دارا بـودن بتـای معـادل۰/۱۷ تـأثیر مستقیم و نسبتاً متوسطی بر میزان رفاه افراد دارد.

جدول شماره(۳): بررسی تأثیر ضرایب استاندارد متغیرهای مستقل

متغیرها	ضریب تأثیر غیراستاندارد(B)	ضریب تأثیراستانداردشده(Beta)	t	Sig.
(Constant)	- ۳,٦٦٨		- ٦,۰۲٦	.۰۰۰
اعتماد فردی	.۳٦٥	.۳۳۷	٦,۳۱۹	.۰۰۰
روابط اجتماعی	.۰٤٥	.۲۱۹	٤,۱۰۰	.۰۰۰
حمایت اجتماعی	.۰٥٤	.۲۰٦	٤,۱۱۱	.۰۰۰
همیاری	.۱٦۰	.۱۲۷	۳,۷۷۲	.۰۰۰

با توجه به ضرایب بتا معادلهٔ رگرسیونی استاندارد عبارت خواهد بود از:

(همیاری)۰/۱۷+ (حمایت اجتماعی)۰/۲۱ +(روابط اجتماعی)۰/۲۲ + (اعتماد فردی)۰/۳٤ = رفاه اجتماعی

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس مدل رگرسیونی ابعاد اعتماد فردی، روابط اجتماعی، حمایت اجتماعی و همیاری، بیشترین اهمیت را در تبیین رفاه اجتماعی داشته‌اند. به نظر می‌رسد افرادی که دارای اعتماد فردی، روابط اجتماعی، حمایت اجتماعی و همیاری بالاتری هستند معمولاً جسارت اقتصادی بیش‌تر، تغییرپذیری بالاتر و ریسک‌پذیری بالایی دارند و همین موجب می‌شود که بتوانند درآمد بیشتر و از آن طریق رفاه بالاتری کسب کنند.

در انطباق یافته‌ها با چارچوب نظری تحقیق (نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام) می‌توان گفت که هم سرمایه اجتماعی و هم رفاه اجتماعی کالاهایی عمومی‌اند و سرمایه اجتماعی در شکل مفید و متوازن آن منجر به افزایش کارایی اقتصادی و افزایش حجم کیک توسعه و به تبع آن افزایش رفاه خواهد شد و همه از آن سود خواهند برد.

در این تحقیق با توجه به این که اساس نمونه‌گیری بر مبنای مناطق سکونت سه‌گانه در شهر تهران بوده که ضمناً تعین اکولوژیکی ـ طبقاتی ویژه‌ای نیز دارند (منطقه یک ثروتمندنشین، منطقه هفت متوسط نشین و منطقه هفده فقیرنشین). رابطه سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن با منطقه سکونت نیز مورد توجه قرار گرفت. یافته‌های تحقیق بازگوی آن است که بیشترین سطح سرمایه اجتماعی در منطقه یک به عنوان منطقه توسعه یافته، بوده است و منطقه یک و منطقه هفت روی هم رفته از ۹۳/۶ درصد سرمایه اجتماعی بالا بهره‌مند هستند. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین سرمایه اجتماعی و بیشتر مؤلفه‌های آن با منطقه سکونت رابطه معنادار وجود دارد و این یافته‌ها به نوعی تأئیدی است بر این نظر پاتنام که مناطق دارای سطح بالای سرمایه اجتماعی نسبت به مناطق دارای سرمایه اجتماعی اندک از وضعیت اقتصادی و رفاهی (توسعه‌ای) بهتری برخوردارند. به عنوان نمونه سرمایه اجتماعی بسیار کمی در دلتای می‌سی سی پی و سرمایه اجتماعی در حد بالایی در غرب میانه مشاهده می‌شود. پاتنام با در نظر گرفتن شاخص رفاه، ایالاتی چون می‌سی‌سی‌پی و آلاباما را جزء ایالات کم رفاه و ایالاتی چون مینه‌سوتا و آیوا را جزء ایالات با رفاه بالا گزارش می‌کند (پاتنام: ۱۳۸۰). او در مطالعه خود دربارهٔ مناطق کشور

ایتالیا، دریافت که سرمایه اجتماعی می‌تواند اختلافات مناطق را از نظر توسعهٔ اقتصادی توضیح دهد.

از نظر بوردیو جایگاه فرد در نظام اجتماعی به میزان برخورداری او از انواع سرمایه (اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) وابسته است (بوردیو: ۱۹۸٦، ۱۳۸۱). با استفاده از این نظر بوردیو می‌توان گفت که چون ساکنان منطقه هفده میزان سرمایه اجتماعی پایینی نسبت به ساکنان منطقه یک و هفت داشتند و از طرف دیگر سطح سواد و تحصیلات آنان به عنوان سرمایه فرهنگی نسبت به سواد و تحصیلات ساکنان منطقه یک و هفت پایین‌تر است، بنابراین با توجه به برخورداری پایین آنها نسبت به برخورداری بالای ساکنان منطقه یک و هفت، جایگاه آنها در نظام اجتماعی پایین‌تر خواهد بود و چون سرمایه اقتصادی پایینی دارند نمی‌توانند انواع دیگر سرمایه را از آن استخراج کنند؛ کاری که شاید و معمولاً طبقات بالا انجام می‌دهند. همچنین از نظر کلمن هرچه افراد از یکدیگر بیشتر کمک بگیرند، مقدار سرمایه اجتماعی که ایجاد می‌شود بیشتر خواهد بود (کلمن، ٤۹۱: ۱۳۷۷). این دیدگاه با یافته‌های تحقیق مطابقت دارد و همبستگی معناداری بین همیاری، حمایت اجتماعی و سرمایه اجتماعی وجود دارد. (ضریب همبستگی پیرسون بین همیاری و سرمایه اجتماعی۰/٦۷ و با سطح معنی‌داری بیش از ۹۹ درصد و ضریب همبستگی پیرسون بین حمایت اجتماعی و سرمایه اجتماعی ۰/۷۰ و با سطح معنی‌داری بیش از ۹۹ درصد).

از نظر فوکویاما، مذهب به عنوان یکی از منابع سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود (فوکویاما، ۱۰۳: ۱۳۸۵). یافته‌های تحقیق با این نظر مطابقت دارد. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که ساکنان منطقه هفده با وجود نمره پایین در متغیرهای مشارکت رسمی، و هنجارها (به سطح بالای این متغیرها درصد کمی تعلق گرفته) از گویه‌های مشارکت غیررسمی مذهبی نمرات نسبتاً خوبی گرفته‌اند.

سرمایه اجتماعی قادر به تأثیرگذاری بر سطوح خاصی از رفاه اجتماعی است. بنابراین دور از عقلانیت است که دیگر سطوح رفاه اجتماعی مورد غفلت برنامه‌ریزان واقع شود. ارتقاء رفاه اجتماعی نیاز به تلاشی فراگیر دارد و صرف اتکا به توانائی‌های مردم در برقراری روابط اجتماعی (سرمایه اجتماعی) برای تحقق آن کافی نیست.

منابع References

ـ بوردیو، پی‌یر. (۱۳۸۱)، **نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی**، ترجمه مرتضی مردیها، انتشارات نقش و نگار.

ـ تاجبخش، کیان و دیگران. (۱۳۸۲)، سرمایه اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال سوم، شماره ۱۰، تهران دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

ـ تاجبخش، کیان، (۱۳۸۵)، **سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه** (ترجمهٔ افشین خاکباز و حسن پویان)، تهران، نشر شیرازه.

ـ توسلی غلامعباس و موسوی، مرضیه. (۱۳۸٤)، مفهوم سرمایه اجتماعی در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی، **نشریه علمی و پژوهشی نامه علوم اجتماعی**، شماره ۲٦.

ـ رفیعی، مینو. (۱۳۸۲)، **عوامل مؤثر بر قیمت زمین مسکونی در مناطق مختلف شهری**، تهران، وزارت مسکن و شهرسازی.

ـ ریتزر، جورج. (۱۳۷٤)، **نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.

ـ زاهدی مازندرانی، محمد جواد. (۱۳۸۲)، **توسعه و نابرابری**، تهران، انتشارات مازیار.

ـ زاهدی مازندرانی، محمد جواد و اوجاقلو، سجاد . (۱۳۸٤)، بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن دربین ساکنان شهر زنجان، **مجلهٔ جامعه‌شناسی ایران**، دوره ششم، شماره ٤.

ـ بیرو، آلن. (۱۳۷۰)، **فرهنگ علوم اجتماعی**، باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان.

ـ شیانی، ملیحه. (۱۳۸٤)، شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، **فصلنامه تأمین اجتماعی**، سال اول، شمارهٔ ۱.

ـ غفاری، غلامرضا و محمد باقر، تاج الدین. (۱۳۸٤)، شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی، **فصلنامه علمی ـ پژوهشی رفاه اجتماعی**، شماره ۱۷.

ـ فوکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۵)، **پایان نظم: بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن**، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

ـ فیتز پاتریک، تونی. (۱۳۸۱)، **نظریه رفاه (سیاست اجتماعی) ترجمه**، هرمز همایون پور، تهران، مؤسسه عالی تأمین اجتماعی

ـ قانعی راد، محمد امین و حسینی، فریده. (۱۳۸٤)، ارزش‌ها، شبکهٔ روابط و مشارکت در سازمان‌های غیر دولتی، **مجلهٔ جامعه‌شناسی ایران**، دورهٔ ششم، شمارهٔ۳.

ـ کولان، رولان. (۱۳۷۹)، نهادی کردن مشارکت مردم در توسعه در کتاب **مشارکت در**

References

منابع

توسعه، ترجمه هادی غبرائی، تهران، انتشارات روش.

ـ موسوی خامنه، مرضیه. (۱۳۸۳)، **سرمایه اجتماعی و سلوک اجتماعی**، رساله دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، استاد راهنما غلامعباس توسلی.

ـ مدنی، سعید و رفیعی، حسن (۱۳۷۹)، **به سوی نظام جامع رفاه اجتماعی**، تهران، سازمان بهزیستی کشور، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

ـ میلر، دلبرت. (۱۳۸۰)، **راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی**، ترجمهٔ هوشنگ نائبی، تهران، انتشارات نشر.

ـ وثوقی، منصور و نیک خلق، علی اکبر. (۱۳۷٤)، **مبانی جامعه شناسی**، تهران، انتشارات خردمند.

- Bourdieu, P. (1986), The Forms of Capital, in J Richardson(ed.); **Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education,** New York, Green wood.
- Christoforou,A.(2003).**Social Capital and Economic Growth: The Case of Greece.**
- Coleman, J (1988) ;Social Capital in the Creation of Human Capital ,**The American Journal of Sociology**,vol.9٤,Pp.S95-S120
- Coleman, J. (1994), **Foundation of Social Theory**, Cambridge, MA, Harvard University press.
- Defilippis James(2001), the myth of social capital in community development, **Housing Policy Debate** , volume 12 Issue 4 , 2001.
- Fukuyama.F,(1999).**What is Social Capital?** The Institute of Public Policy George Mason University , Prepared for delivery at the IMF Conference on Second Generation Reforms , October 1999
- Fukuyama, F.(1995).**Trust: The Social Virtues and the creation of Prosperity**. New York: free press.
- King peter & Walde grave charles ; 2002, **Social Capital, social networks and access**, Employment , Invetingating constraints on labour market participation in new Zealand

- Lin, Nan ,(2001) , **Social Capital: A theory of social capital and action,** Cambridge University press.
- Portes,A,(1998), Social capital: its origins and applications in modern sociology,**Annual Review of Sociology** 24: 1-24.
- Putnam, R. (1993a), **Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy**. Princeton, NJ, Princeton University Press.
- Putnam, R. (1993b), The Prosperous community: Social Capital and Public life , **The American Prospect** , Spring , Pp. 35-42
- Putnam, R. (1995), **Bowling Alone: America's Declining Social Capital**, Journal of Democracy.6: Pp65-78
- Putnam. R. (2000), **Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community**, New York, Simon & Schuster
- Sabatini, F. (2005), Social **Capital as Social Networks. A New Framework for Measurement**, available at: www.socialcapitalgateway.org